

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 1387/01/20

ما در جلسه گذشته که یکی از ادله عامه در شهادت ثالثه که آیه مودت بود را بیان کردیم و عرض کردیم که مراد از آیه چه کسی است و قریبا چه کسانی هستند و این وجوب محبت اهل بیت علیهم السلام به خاطر عاطفه فاملی و عشایری و قبیلگی نیست.

یک بحث دیگر این است که ، این مودت اظهار مودة قلبی و اظهار علاقه به تنهایی نیست ، بلکه مودة در این جا به معنای تبعیت و اطاعت است ، در روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم که بیان می فرمایند: «من عرفهم احبهم و من احبهم فقد اطاعهم و من اطاعهم دخل الجنة»

هرکسی که اهل بیت مرا بشناسد قطعاً دوستشان می دارد و هرکسی اهل بیت مرا دوست داشته باشد قطعاً مطیع آنها هم خواهد بود

پس محبت قلبی که به دنبالش اطاعت و تبعیت نباشد اثری ندارد و روایات متعدد دیگر هم هست که قضیه محبت را در برابر عدوات اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم قرار داده و حضرت فرموده اند :

انی سلم لمن سالمهم و حرب لمن حاربهم

هرکسی با اهل بیت من در صلح باشد من هم با او در صلح هستم و هرکسی با اهل بیت من در جنگ باشد من هم با او در جنگ هستم

و در روایت دیگر هست که حضرت می فرماید:

من حارب علیا فقد حاربنى و من عاد علیا فقد عادنى

و یا در حدیث غدیر هست که بیان می کند:

اللهم وال من والاه وعاد من عاداه

به گفته علامه امینی نبی مکرم صلی الله علیه وآله وسلم زمینه محبوبیت قلبی حکومت آینده اش را در دل مردم ایجاد می کند چون حاکم هر چه قدر هم قوی باشد ولی محبوبیت نداشته باشد این حکومت شکست می خورد یکی از اساسی ترین رمز موفقیت، محبوبیت قلبی در میان مردم است چون اگر حاکم محبوبیت نداشته باشد نه مردم در مشکلات تن به صبر می دهند و نه حاضرند که به دستورات حاکم گوش کنند و نه در برابر دشمنان حاضرند که به مقابله قیام کنند.

دوم : ادله خاص برشهادت ثالثه

ما یک سری روایات که در منابع اهل سنت هست که تقریباً بین ادله عامه و خاصه است و دلالت می کنند بر ولایت امیر المومنین علیه السلام به صورت کلی و این صورت کلی هم یکی از مصادیقش می شود دراذان و اقامه قرار داد.

اولین روایت: روایتی است که تعداد زیادی از اهل سنت نقل کرده اند و مضمون روایت این است:

و أخرج ابن عساکر عن أبي هريرة رضي الله عنه قال مكتوب على العرش لا اله الا أنا وحدي لا شريك لي محمد عبدی و رسولي أیدته بعلي و ذلك قوله هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنُصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ

سیوطی در کتاب الدر المنثور فی تفسیر المأثور ج 3 /ص 199 و در خصایص کبری 7/1 و قاضی عیاض که از شخصیت‌های بلند آوازه اهل سنت در کتاب الشفا بتعریف حدود المصطفی ص 174 و همچنین در کتابهای درجه دوم اهل سنت مانند مناقب ابن مغازلی 39 و ریاض النظره 227/2 در السمطین ص 120 و کنز العمال 624/11 و تاریخ الخمیس

15/1 و اولیة الاولیا ابونعیم 26/3

وقتی که ما می بینم قضیه ولایت امیرالمومنین علیه السلام قبل از خلقت آسمان وزمین و قبل از ولادت امیر المومنین علیه السلام و قبل از اعلان ولایت امیرالمومنین علیه السلام توسط رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم درعرش نام امیر المومنین علیه السلام قرین نام قرین رسول الله و توحید است و وقتی در آنجا چنین است ذکر کردن نام علی علیه السلام در نماز و اذان و اقامه و در کنار شهادت به وحدانیت حق و رسالت نبی مکرم صلی الله علیه وآله کارخلافی نیست.

دومین روایت : روایتی است که در ذیل آیه 45 از سوره زخرف **وَ سَأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَلْجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَانِ إِلَهَةً يُعْبَدُونَ** که سندا هم حاکم نیشابوری صراحت دارد که صحیح است، می باشد

الحسین الأزدي الموصلي، حدثنا عبد الله بن محمد بن غزوان البغدادي. حدثنا علي بن جابر، حدثنا محمد بن خالد بن عبد الله و محمد بن إسماعيل، قالوا: حدثنا محمد بن فضل، عن محمد ابن سوقة، عن إبراهيم، عن علقمة، عن عبد الله بن مسعود، قال: قال رسول الله: صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَانِي مَلَكٌ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ سَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا عَلَى مَا بُعِثُوا قَالَ: قُلْتُ: عَلَى مَا بُعِثُوا قَالَ: عَلَى وَوَلَايَتِكَ وَوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

الكشف و البيان عن تفسير القرآن ج 8 ص 338 ،

يارسول الله از انبیای گذشته سوال کن برچه چیزی مبعوث شدند رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم سوال کرد: یا جبرئیل، برچه چیزی مبعوث شدند جبرئیل فرمود: بروایت تو بروایت علی بن ابیطالب علیه السلام مبعوث شدند.

روایت متواتری هست که خلقت نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم قبل از خلقت تمام موجودات بوده است و در روایت رضوی هست که از امام رضا علیه السلام سوال می کنند یا بن الرسول الله شما افضلیت یا ملائکه حضرت می فرمایند: ملائکه خدام ما و شیعیان ما هستند و خدای عالم ما را آفرید قبل از اینکه احدی را آفریده باشد و ما در کنار

عرش الهی مشغول تسبیح بودیم ، تا بعد از گذشت زمان خداوند به برکت نور ما ملائکه مقرب را آفرید، و وقتی که ملائکه چشمانشان به نور ما افتاد امر برایشان مشتبه شد که آیا آفرینده آنها ما هستیم یا خدای عالم هست کبرنا و کبرت الملائکه تکبیر گفتیم و خدای عالم بزرگتر از این چیزهای که تصور می کنید بعد این ملائکه از بزرگی ما تعجب کردند و حمدنا و حمدت الملائکه در تفسیر آیه شریفه وَ سَأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا دارد که پیامبران بر ولایت تو و ولایت علی علیه السلام مبعوث شدند که حاکم نیشابوری در کتاب **معرفة ام الحدیث ص 96** و تصریح می کند و می گوید «و هذه العنوان التي ذكرتها مثلا الاولوف من الحدیث یجری علی مثالها وسننها» در این زمینه هزاران حدیث داریم که بر این عنوان وارد شده از جمله در **تفسیر ثعلبی 338/8 ، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل حسکانی ج 2/223 و تاریخ دمشقی 241/42 و مناقب خوارزمی ص 312** و دهها کتاب دیگر هم این روایت را ذکر کرده اند.

روایت سوم: هم در منابع اهل سنت هست که حذیفه می گوید: پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند :

وَ عَنْ حُذَيْفَةَ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَتَى سَمِّيَ عَلِيٌّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا أَنْكَرُوا فَضْلَهُ سَمِّيَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ آدَمُ بَيْنَ الرُّوحِ وَ الْجَسَدِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ بَلَىٰ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنَا رَبُّكُمْ وَ مُحَمَّدٌ نَبِيُّكُمْ وَ عَلِيٌّ أَمِيرُكُمْ.

اگر مردم آگاه می شدند که علی علیه السلام کی ملقب به امیرالمومنین شده فضیلتش را انکار نمی کردند نامیده شدن علی علیه السلام به امیرالمومنین در زمانی بود که هنوز حضرت آدم آفریده نشده بود و در این هنگام از تمام فرزندان آدم که عهد و پیمان که آیا من پروردگار شما نیستم همگی گفتند بلی و خداوند تبارک و تعالی گفت من پروردگار شما هستم و محمد صلی الله علیه وآله وسلم نبی شماست و علی علیه السلام امیر شماست

جلد الاوصل اخباردیلمی 354/3، مناقب ابن مغزلی ص 117 ، الاکلیل سیوطی ص 98

روایت چهارم را هیثمی در مجمع الزوائد ذکر کرده که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم به علی علیه السلام فرمودند:

ماسالت ربی شیاً فی الصلاة الا اتانی و ماسالت لنفسی شیئاً الا سالت لک

از خدای عالم در نماز چیزی نخواستم جز اینکه به من اعطا کرده یا علی هر چیزی که برای خودم خواستم برای شما هم خواستم

و یکی از مصادیقش قرار گرفتن نام نبی مکرم صلی الله علیه وآله وسلم در اذان و اقامه است چرا که وقتی نام رسالت می آید نام علی علیه السلام نیز می آید این مضمون روایت هست

مجمع الزوائد هیثمی 110/9 ، کنز العمال متقی 113/13، الرياض النظره 213/2

مراقی مصری از علمای اهل سنت از ابوذر و سلمان نقل کردند که همه از کتاب السلافة فی امر الخلافة ص 32 مراقی مصری نقل کردند، که یک مردی آمد پیش نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و عرضه داشت یا رسول الله «انی سمعت امرا لم اسمع قبل ذلك قال ما هو قال سلمان يشهد فی اذانه بعد شهادة بالرسالة الشهادة بولاية علی و قال ص سمعت خيراً»

مردی آمد نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم عرضه داشت :

یا رسول الله من یک چیزی شنیدم که قبلاً نشنیدم حضرت فرمودند : چه چیزی شنیدی ؟ گفت :

سلمان در اذانش بعد از شهادت دادن به رسالت شما شهادت به ولایت علی علیه السلام داد! حضرت فرمودند:
چیز خوبی شنیدی .

و باز در روایت دیگری هست:

«ان رجلا دخل على رسول الله ص فقال يا رسول الله انّ اباذريذكر في الاذن بعدشهادة بالرسالة الشهادة بالولاية لعلی
قال رسول الله كذلك أو نسيتم قولي في غدیر خم من كنت مولاة فعلى مولاة»

(السلافة في امر الخلافة مراعى مصرى قرن 7)

ابوذر بعد از شهادت دادن به رسالت شما شهادت به ولایت علی علیه السلام داد؛ حضرت فرمودند: چیز خوبی شنیدی
حضرت فرمودند اینچنین است فراموش کردی که فرمودم من هر کسی من مولای او هستم من مولای او هستم.

پس با قرائن عامه مانند مثل آیه شریفه «انما وليكم الله و آيه قل لاسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى» و آیه
مباهله و همچنین روایتی در ذیل آیه شریفه «وسئل من ارسلنا من رسلنا» این دوتا روایت گرچه سندا مخودش است
ولی همان مضامینی را اثبات می کند که در آیات و روایات به ان اشاره شده است.

بحث بعدی روایتی از شیعه نقل شده است که مخصوصا شیخ صدوق در من لایحضر است که بنی الامیه لعنهم الله
این اشهدان علیا ولی الله را اضافه کرده است.

باید حرف شیخ صدوق بررسی شود و فتوای ایشان گرچه شهادت به ولایت از روایت شاذ است ولی حرمت نیست .

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

